

ترجمہ کتاب

الرسالۃ

تالیف : محمد برادر شاہ شافعی

بر اساس کتاب «الرسالۃ» بحقیق احمد محمد شاکر

مترجمان: علی صاری، ڈاکٹر بلا مادیپور

شافعی، محمد بن ادريس، ۱۵۰-۲۰۴ق.

الرساله. فارسی

ترجمه كتاب الرساله: بر اساس كتاب «الرساله» به تحقيق احمد محمد شاکر/

تالیف محمد بن ادريس شافعی؛ مترجمان علی صارمی، ژيلا مرادپور.

۱. ان: نشر احسان، ۱۳۹۶. ۳۷۶ ص.

۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۰۰۸۸-۱

داشت: کتابنامه.

موضوع: اصول فقه شافعی.

شناسه اول: ۵۵۰۰ ص، علی، ۱۳۵۶ - مترجم

شناسه اول: ۵۵۰۰ رادیو، ۱۳۶۰ - مترجم

شناسه افزوده: شاکر، احمد محمد، ۱۹۵۸ م.


رده بندی کنگره: ۱۳۹ ۵۰۴ ر، BP1۷۵/۲ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۳۳

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۰ ۸۱۹

تهران، خیابان رازی، روبرو دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، شماره ۴۰۶.

www.nashrehsan.com

تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۴



ترجمه كتاب الرساله

بر اساس كتاب «الرساله» به تحقيق احمد محمد شاکر

تالیف: محمد بن ادريس شافعی

مترجمان: علی صارمی، ژيلا مرادپور

ویراستار: دکتر عبدالظاهر سلطانی

ناشر: نشر احسان

چاپخانه: چاپ مهارت

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۳۵۸-۲

فهرست مطالب

۹	مقدمه مترجم
۱۷	سبب تألیف کتاب الرسالة
۱۹	علت نامگذاری اش به الرسالة
۱۹	کدام کتاب الرسالة است
۲۱	مکان تألیف الرسالة القديمة
۲۲	رابطه کتاب الرسالة با کتاب الأم
۲۳	جایگاه کتاب الرسالة نزد علما
۲۵	شرح های کتاب الرسالة
۲۷	موضوع و محتویات کتاب الرسالة
۲۹	منظور از الفاظ مبهم به کار رفته در کتاب الرسالة
۳۱	علت مبهم ذکر کردن اسامی بعضی افراد در رسالة

۳۳	بخش اول الرساله
۴۶	چگونگی بیان
۴۹	بیان اول
۵۱	بیان دوم
۵۴	بیان سوم
۵۴	بیان چهارم
۵۶	بیان پنجم
۷۰	آیات عامی که دلالتشان عام است ولی تخصیص خورده اند
۷۱	آیاتی که شامل عام خاص است
۷۳	آیاتی که ظاهراً به صورت عام است، ولی مراد از آن خاص می باشد
۷۶	آیاتی که معنای شان از ساختار جمله مشخص می شود
۷۷	آیاتی که لفظشان تنها بر باطن دلالت می کند، نه ظاهر
۷۸	آیات عامی که با سنت، خاص شده است
۸۳	پیروی از سنت پیامبر ﷺ طبق فرمان خداوند
۸۷	اطاعت از رسول همراه با اطاعت از الله آمده است
۸۹	خداوند به اطاعت از رسول الله فرمان داده است
۹۲	رسول تابع وحی و راهنمای مردم بود
۹۹	ناسخ و منسوخ
۱۰۵	ناسخ و منسوخی که برخی را قرآن و قسمتی را سنت بیان می کند
	نماز فرضی که طبق قرآن و سنت از افراد معذور برداشته شده است و از کسانی به
۱۰۸	سبب گناه قبول نمی شود
۱۱۹	ناسخ و منسوخ براساس سنت و اجماع

- ۱۲۳..... فرائضی که خداوند به صورت نص صریح نازل فرموده است.
- ۱۳۰..... فرائض قرآنی که رسول الله ﷺ هم برای آنها سنت‌هایی قرار داده است.
- ۱۳۳..... چیزی که در قرآن فرض است، اما سنت آن را خاص کرده است.
- ۱۳۸..... فرائض کلی.
- ۱۴۴..... درباره زکات.
- ۱۴۸..... درباره حج.
- ۱۵۰..... درباره عده زنان.
- ۱۵۱..... زنان محرمه.
- ۱۵۵..... بخش دوم الرسالة.
- ۱۵۶..... درباره خوراکی‌های سرام.
- ۱۵۸..... زن در عده وفات باید از چه بستن بشود؟
- ۱۵۹..... علت‌های جرح و تعدیل حکم در احادیث.
- ۱۷۸..... صورتی دیگر از ناسخ و منسوخ.
- ۱۸۰..... صورتی دیگر [از ناسخ و منسوخ].
- ۱۸۴..... صورتی دیگر [از ناسخ و منسوخ].
- ۱۹۳..... صورتی دیگر از اختلاف.
- ۱۹۷..... اختلاف روایت به صورتی دیگر غیر از مورد قبل.
- ۲۰۰..... صورتی دیگر از آن‌چه مختلف شمرده شده، اما به نظر ما مختلف نیست.
- ۲۰۶..... صورتی دیگر از آن‌چه مختلف شمرده شده است.
- ۲۰۸..... صورتی دیگر از اختلاف.
- ۲۱۱..... [درباره غسل جمعه].
- ۲۱۴..... نهی از معنایی که در حدیثی دیگر معنای اصلی آن مشخص شده است.

- ۲۱۸ نهی از معنایی که روشن‌تر از معنای قبلی‌اش است
- ۲۲۰ دارد
- ۲۲۷ بخشی دیگر
- ۲۲۸ مرتبی که شبیه معنای قبلی است
- ۲۳۱ [صحت نهی خدا و نهی رسول الله]
- ۲۳۷ [باب علی]
- ۲۴۶ [خبیر و عد]
- ۲۵۷ بخش سوم الرسالة
- ۲۶۳ اثبات حجّیت خیر و عد
- ۳۰۱ [باب اجماع]
- ۳۰۴ [قیاس]
- ۳۱۱ [باب اجتهاد]
- ۳۲۱ [باب استحسان]
- ۳۵۴ [باب اختلاف]
- ۳۶۷ [اختلاف در ارث]
- ۳۷۳ [اقوال صحابه]
- ۳۷۴ [جایگاه اجماع و قیاس]

مقدمه مترجم

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَتَسْبِيحُهُ سُبْحَانَ رَبِّهِ، نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا. مَنْ
يُهْدِهِ اللَّهُ، فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا يَهْدِي لَهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ
أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. قال الله تبارك وتعالى

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَأْتُوا
مُسْلِمُونَ﴾

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ رَاحَةٍ وَخَلَقَ
مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَعَالَى
وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُضْلِحْ لَكُمْ
أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا
عَظِيمًا﴾

(احزاب: ٧١)

أما بعد: إِنَّ أَصْدَقَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ، وَأَحْسَنَ الْهُدَى هَدَى مُحَمَّدٍ، وَشَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا، وَكُلُّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٌ وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ، وَكُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ.

قرآن کتابی آسمانی و الهی است که در طول ۲۳ سال به صورت بخش بخش بر رسول الله ﷺ نازل و نقشه راه دینداری و بندگی سعادت‌مند به صورت کامل در آن طرح گردید. نقشه راهی که شامل؛ بیان وجود الله، اثبات وحدانیتش، پندها، موعظه‌ها، اخلاقیات، داستان زندگی پیامبران علیهم‌السلام و سیره عملی و زندگی‌امتهای گذشته است. این کتاب به تشریح احکام خداوند و آنچه نظم دهنده زندگی فردی و جمعی است، اشاره می‌نماید که از دین، نفس، عقل، نسل و مال انسانها حفاظت می‌کند. در کنار قرآن، یکی از رسالت‌های پیامبر ﷺ نیز شامل تبیین این قرآن به وسیله سنت است. لذا ایشان به تبیین مجمل قرآن، تخصیص عامش، تعمیم خصوصش و بیان ناسخ و منسوخش می‌پرداخت.

اصحاب رسول الله ﷺ کلام خداوند را شنیده و فهم نمودند چون آنها عرب بوده و قرآن به زبان آنها نازل شده و در اکثر موارد نیاز به تفسیر آیات یا دلالت الفاظش نداشتند. رسول الله ﷺ در میانه‌اش به آنچه را ایشان انجام می‌داد فوراً صحابه از او پیروی کرده و انجامش می‌دادند. پیامبر ﷺ گاهی آنها را به پیروی از سنتهایش دعوت و تشویق می‌نمود و می‌فرمود: «صَلُّوا لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ أَوْصَلُّوا لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» یا «خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ» و... اصحاب گاهی آنچه را برایشان در مفهوم بود از رسول الله ﷺ سوال می‌کردند یا از سوالات همدیگر استفاده می‌کردند یا پیامبر ﷺ آنها را بر انجام کاری تشویق یا از کاری و چیزی نهی می‌کرد. اکثر احکامی هم که در قرآن و سنت بیان شده مبنی بر اتفاقاتی است که روی داده و حکم خداوند یا حکم رسول الله ﷺ در موردش نازل گشته و وارد شده است.

صحابه بر اساس سابقه دینداری، علم، فضیلت و تقوی دارای درجات متفاوتی هستند، بعضی از آنها السابقون الاولون، بعضی علمای مجتهد و برخی پایبند مجلس پیامبر ﷺ و عده‌ای در روایت دست بالایی داشته و تعدادی نقش شان کم رنگ بود. رسول الله ﷺ در چنین اوضاعی فوت نمود و کل سنتش در سینه‌های بسیاری از یارانش به یادگار ماند و هیچ گاه تمامی اقوال، افعال و تقریرات پیامبر ﷺ نزد یکی از اصحاب به دست نمی‌آید، بلکه نزد هر یک از آنها مقدار کم یا زیادی از سنت وجود دارد.

صحابا با فتح آنکه در سرزمین‌های مختلفی مانند شام، عراق، مصر و یمن پخش شدند. مکه و مدینه همچنان در مدینه ماندند و طبیعتاً در هر شهری که ساکن گشتند، مرجع و ابوابی را قرار گرفته و آنها بر اساس آنچه در قرآن نازل شده فتوا داده و اگر جوابی در آن نبود، یا مانند بر اساس آنچه از رسول الله ﷺ روایت شده، فتوا داده و اگر در آن نیرنگ نبود، اجتهاد نمودند و بر اساس آنچه به قرآن و سنت نزدیکتر است حکم صادر می‌کردند.

پس از چندی روزگار تابعین فرارسیه و عابین، علم قرآن و سنت و دانش و آگاهی نسبت به آن دو، اجتهاد علمای صحابه و فتاوی آنها را به ارث بردند و آراء و نظرات شان، را بر اساس اتفاقاتی که در روزگارشان پیش می‌آمد، بر آنها افزودند. دیگران بعد از تابعین آمدند و علم گذشتگان را به ارث بردند و نظرات، اجتهادات و فتاوی شان را در مورد حوادث و اتفاقات روزگارشان بر آن افزودند.

با گذر زمان و رسیدن دوران ائمه فقها و ائمه حدیث، درخت فقاہت و اجتهاد پاکرفت و تنومند گشت، شاخه‌هایش گسترش یافت و میوه‌هایش متنوع شد، حوادث و اتفاقات بیشتر و هر چقدر روزگار به پیش می‌رفت، زندگی انسانها

پیچیده تر و مقتضیات زندگی شان متفاوت تر و عقلها و طبایع و رویکردها متنوع تر گشت. لذا علمای مجتهد نیاز داشتند در مورد حکم شرعی هر حادثه‌ای که روی می‌دهد، تحقیق و بررسی کنند، بعضی از آنها جوابش را در نصوص عام و خاص قرآن و سنت می‌یافتند و برای صدور حکم در مورد هر واقعه‌ای نیازشان از طریق قرآن و سنت برآورده می‌شد و به چیز دیگری مراجعه نمی‌کردند. ولی بعضی دیگر حکم را از نصوص صریح به شرطی که برایش میسر بود، استخراج و استنباط می‌کرد و گرنه در مورد هر واقعه‌ای بر اساس آنچه از روح شریعت در راستای صلاح انسانیت می‌یافت، فتوا می‌داد و حکم صادر می‌نمود.

بدین شیوه مهج مجتهدان از زمان صحابه (رضی الله عنهم) تا اواخر دوران ائمه فقها دچار اختلاف و تنوع گشت. این تنوع به ایجاد دو مدرسه فکری منتهی شد: مدرسه اهل حدیث در حجاز و مدرسه اهل رأی در عراق، مجتهدین و فقها پایبند یکی از این دو مدرسه بودند. در کنار این دو مدرسه سومی شکل گرفت که تاریخ نگاران فقه و تمدن اسلامی چندان بدان اشاره نکرده‌اند. و آن مدرسه امام شافعی و اصول اعتدالی ایشان است.

بدون شک جایگاه امام شافعی در آن دوران شبیه بک یکی نورانی در میان یک جزیره بزرگ نور بود. خداوند زیرکی خاص، استعداد ذاتی، اشتیاق فراوان، صداقت، استقامت، تقوی و درک صحیح و ظریف را به امام شافعی عطا نموده به گونه‌ای که در عمر کوتاهی که داشت بر تمامی علوم و معارف زمانش در حوزه فهم دین از علوم مکه، مدینه، یمن، عراق، شام و مصر دست یافت.

شافعی در راه کسب علم و دانش و مطالعات و تحقیقاتش پایبند مذهب معین و مشخصی نبود، بلکه فقه اکثر مذاهب دوران خویش را کسب کرد و کمتر چنین چیزی برای فردی غیر از شافعی دست داده بود. شافعی بر بسیاری از آراء فقهی،

اجتهادی و ادله استنباطی آگاه بود و تا جایی سنتها و آثار روایت شده را حفظ داشت که در موردش گفته می‌شد: «حدیثی در مورد احکام شرعی وجود ندارد مگر شافعی آن را در کتابهایش آورده است.»

شافعی به مرور زمان به واسطه عقل هوشیار، بصیرت تیز، اخلاص در طلب حق، آگاهی بر ادبیات و لغت عرب، رابطه بین ادله را مطالعه و بررسی و نسبت به آنچه سنتاً آمده بازنگری نمود تا راه شناخت ادله و یک نقشه راهی برای اجتهاد کردن بر اساس قرآن و سنت در کتاب «الرسالة» طرح کرد و اجتهاد را بر منهجی واضح و مسجل از آن فقهی قرار داد و یک تحول فکری را در علم استدلال، استنباط و اجتهاد کنونی ایجاد نمود. این یکی از ویژگیهای خاص شافعی است که او را نسبت به سایر اندیشمندان برتر کرده است.

در دورانی که آراء و اجتهادات فقهی آشفته‌ای وجود داشت تا حدی که حلال یک مذهبی، در مذهب دیگری حرام بود و احکام مذهبی در مذهب دیگری مکروه بود، شافعی علمی را تدوین و اولین پایه‌هایش را استوار ساخت که تا آن روزگار چنین علمی با چنین گستردگی به وجود نیامده بود. شافعی علم اصول فقه را بنیان نهاد و مبانی مذهبش را بر اساس آن پایه‌گذاری و توسط ادله تقویت نمود و از نقشه راهی که ترسیم نموده تخطی نکرد.

بله، مدرسه شافعی تبدیل به مدرسه سومی شد که حد وسط و مابین مدرسه اهل حدیث و مدرسه اهل رأی بود هر چند کمی به مدرسه اهل حدیث نزدیک‌تر بود. شافعی اول به قرآن کریم و مهارت در فهم آن بر اساس زبان عرب و آگاهی بر روایتهای پیرامون آن در تأویلهای اهمیت داد، سپس دروازه‌های جدیدی را بر روی حدیث و سنت نبوی گشود که تا قبل از ایشان چنین کاری روی نداده بود. ایشان به شروط صحت حدیث، تقسیم بندی احادیث، بیان علل آنها، تعارض، ترجیح و

جمع بندی آنها اشاره نمود و قواعدی در علم حدیث بنیان نهاد. از اولین کسانی بود که رأی و اجتهاد را ضابطه مند و موازینی برای قیاس قرار داد و قواعدی برای فهم قرآن و سنت، بیان ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مجمل و مبین و... طرح نمود.

دفعی نخستین بار دستگاه چهارگانه ادله استنباط؛ کتاب، سنت، اجماع و قیاس را طرح نمود، حجیت دو دلیل اخیر را تنها محدود به موارد ضرورت و فقدان نص دانست. در حقیقت امام شافعی ابواب علم اصول فقه را مرتب نموده، فصولش را سرآوردی رب مباحث مختلفی مانند قرآن، سنت، طرق اثبات آن، جایگاه حدیث و ارتباط آن با قرآن به کاوش پرداخته است، قیاس را ضابطه مند و در مورد استحسان نیز مطالبی را برود، و اینگونه به تنظیم و تبویب این علم پرداخته به گونه‌ای که قبل از کسی به آلیف در این علم اقدام نکرده است.

لذا منهج و روشی که شافعی تدوین کرد فقط سرآغاز ورود به فهم نصوص فقهی، سپس راهی برای قیاس بر آنها نبود بلکه یک قانون عمومی و کلی است که در راه معرفت از دچار شدن در خطا و اشتباهات اجتناب می‌دارد. مردم قبل از شافعی در مورد علم اصول فقه سخن گفته‌اند و بر آن استدلال نموده‌اند ولی برای شناخت دلایل شرعی و کیفیت تعارض و ترجیح آنها برای فایز کلی قابل مراجعه‌ای نبودند. لذا شافعی علم اصول فقه را پایه گذاری کرد و علوم کلم را برای مردم وضع نمود تا مردم برای شناخت مراتب ادله شرعی به آن مراجعه کنند.

این منهجی که شافعی پایه گذاری نمود اثر بزرگی در پالایش فکر اسلامی از هرگونه تشویش و اضطراب داشت و عقلانیت اسلامی را از دست آراء منحرفی بعضی از فلسفه مآبان دوران نجات داد و جهان اسلام را از نوعی تقابل و درگیری درونی رها ساخت و شکاف بین دو مدرسه اهل حدیث و اهل رأی را کاهش داد و

نوعی همگرایی را بین آنها حاکم نمود. شافعی در این منهج تدوینی اش جایگاه عقل و نقل را به شیوه‌ای شفاف ترسیم کرد و بیان داشت که اجتهادات باید بر پایه نصوص صحیح شرعی و استنباط‌های عقلانی و واقع‌گرایانه باشد.

علم اصول فقه تدوینی امام شافعی به صورت یک کتاب مدون تحت عنوان «الرسالة» درآمد و آگاهی یافتن از سرچشمه این علم و بررسی مبانی استدلالی آن با رویکردی تنقیحی و تحلیلی می‌تواند نقشه راه و چراغ روشنی پیش روی آیندگان باشد. سعی بر آن شد تا کتاب الرسالة به شیوه‌ای دقیق و در حد توان مترجمین، ترجمه گردد تا آراء اصری ایشان در مدارس دینی، حوزه‌های علمیه، دانشگاهها، محافل و مجامع علمی مورد تدریس و مذاقه علمی قرار گیرد و طلاب و دانشجویان علوم مختلف، سلام از آن بهتر بهره‌مند گردند و در صدور فتاوی فقهی از طرف علمای معاصر بیشتر مورد توجه قرار گیرد و کاربرد بیشتری داشته باشد. در پایان از خداوند بزرگ، سرهان و خواهران ما را به تلاش علمی را مورد عنایت و توفیقاتش قرار دهد و خوانندگان عزیز و گرانقدر را از آن بهره‌مند گرداند.

وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین و السلام ورحمة الله

علو صارمی

ژانویه ۱۴۰۰ پور

سنندج/شهریور ۹۵

Alisarem1356@gmail.com

۰۹۱۲۷۱۳۳۳۷۳